



رژیم فاشیست اسلامی در تازه ترین تلاش برای نابودی آرامگاه کورش بزرگ، به بهانه بهروزی مردم شهرستان پاسارگاد،
السید عزتالله ضرغامی رئیس سازمان [ضد] میراث فرهنگی و گردشگری مدعی شده است:

«مقبره کورش مردم شهر پاسارگاد را گرفتار کرده است. شهر پاسارگاد بهخاطر مقبره کورش گرفتار شده و مردم نمیتوانند
ساختمان بلند بسازند، کشاورزی کنند و دکل بزنند.»

نخست رژیمی که سرانش همه افتخار و سربلندیشان خود را "السید" دانستن و رساندن نسل خویش به تازیان خونخوار سده ۷ ترسای و شنزارهای نجد و حجاز است و در ۴۴ سال گذشته دارایی های ملت ایران را سرازیر شکم لبنانی و عراقی و فلسطینی و یمنی و این تازی و آن تازی ساخته است، خود را نگران ایرانیان ساکن شهرستان پاسارگاد نشان می دهد، نه تنها دروغ بلکه مضحکانه است.

دوم، آرامگاه کورش بزرگ واقع در بخش پاسارگاد شهرستان به همان نام قرار دارد که سعادت شهر، مرکز شهرستان با پنج محله و شش هزار تن جمعیت نزدیک ترین مکان زندگی بشمار می رود. کمینی ها (نام اصلی سعادت شهر) هنوز به یکی از گویش های پهلوی ساسانی (پارسی میانه) سخن گفته و نه تنها به ایرانی بودن خود افتخار می ورزند، بلکه خود را بازماندگان پاسارگادی های باستان و پاسدار آرامگاه کورش بزرگ می دانند. البته جمهوری اسلامی با هدف تغییر بافت جمعیت بومی، شمار بالایی از اعراب عراقی و خمسه و نیز هزاره های افغانستان که مغول نژاد می باشند را در آنجا اسکان داده است، تا بدانجایی که جلال رشیدی نماینده مرودشت و پاسارگاد دهان به نکوهش گشود و اعلام نمود که امروزه بیش از یک سوم از جمعیت پاسارگاد، غیرایرانی و از کشورهای دیگرند.

سوم، ضرغامی آنچنان سخن از ساختمان می زند، که گویی پاسارگادی ها، چادر نشین و آواره اند. پاسارگادی ها شهر نشین بودند آنزمانی که نیاکان ضرغامی هنوز در شنزارهای نجد و حجاز، ادار شتر را گلاب دانسته و اوج تمدنشان، پرستش بت های بزرگ، لات و منات و الله بوده است. اگر هم امروز فقری در پاسارگاد است، بجای دزدی و چپاول کشور توسط رژیم ضرغامی است. همچنین، بجز آنکه در هیچ کجای جهان یک شهرستان با ۶ هزار تن جمعیت و سرزمین گسترده نیازی به ساختمان بلند و آسمانخراش ندارد، که مشکلشان عدم داشتن ساختمان چند طبقه باشد.

چهارم، ضرغامی سخن از کشاورزی می زند. بایستی پرسید کدام کشاورزی؟ رژیم ضرغامی ها بخاطر عدم سواد و شعور و بدمدیریت آب کشور، ایران را با سرعت بسوی سومالی شدن سوق داده است. ایران آخوند زده امروز دومین کشور جهان در فرسایش خاک و نخستین کشور جهان در بیابان زایی انسان-ساخت را ویژه خودساخته است تا بدانجایی که پیش بینی شده است تا نیم سده دیگر زمین های کشاورزی ایران به زیر ۲۰٪ خواهد رسید. در نتیجه، آبی امروز وجود ندارد که

پاسارگادی ها بخواهند کشاورزیشان را گسترش دهند، بویژه آنکه فرونشست زمین بزرگترین خطر برای پاسارگادی ها نیز بشمار می رود.

پنجم، سخن از دکل برق زده است، بایستی پرسید، دکل بزند که چه برقی از بگذرد؟ رژیم با چندین میلیارد دلار سرازیر شکم روس ها کردن، هنوز ناتوان در تامین برق کشورست و روزی نیست که برق کشور چند ساعت قطع باشد. پس دکل پیاساختن سرانجامش برای اعدام عزیزان پاسارگادی ها بکار برده خواهد شد.

ششم، همانگونه که در ایران هیچ کسی بر سر جای خودش نیست و روضه خوانانی که کارشان مراسم دینی و کفن و دفن و غیره بود امروز رهبر و سیاستمدار شده اند و ضرغامی های بجای خواربارفروشی و پینه دوزی رئیس و روسا شده اند، نیز معنای واژه های هم بر عکس شده اند. زمانی که یک رژیم، چشم اندازش شنزارهای نجد و حجاز ۱۴۰۰ سال پیش باشد، در نتیجه، معنا و مفهوم "پیشرفت" در حقیقت "پسرفت" است، یا بگفته ای دیگر، برای سران رژیم پسرفت، پیشرفت است.

در هر روی، لُپ کلام و هدف ضرغامی در این جمله نهفته است: «بزرگترین گرفتاری ما که میدانم همه دستگاهها با آن مواجه هستند حریم آثار تاریخی است که باید برای آن تصمیمهای انقلابیتری گرفت. من این مشکل را حل میکنم و زیر میز میزنم.»

بگفته ای دیگر، اگر ایرانستزانی که پیش از من در راس سازمان [ضد] میراث فرهنگی، در نابودی آرامگاه کورش بزرگ ناکام مانده اند، من رژیم را به هدفش خواهیم رساند.

رژیم ایرانستیز و ایرانفروش روضه خوانان از همان روز نخستی که بیگانگان آن را در ایران بقدرت رساندند تا با امروز همواره به بهانه های گوناگون تلاش کرده است تا موجب نابودی آرامگاه شود ولی همچنان ناکام مانده است. [1، 2]] بزرگترین تلاش در راستای نابودی آن، ساخت سد سیوند توسط سپاه پاسداران بود تا با ایجاد یک دریاچه مصنوعی در پشت سد، موجب افزایش نم و رطوبت در هوای منطقه شود که بتدریج بر روی سنگ های آهکی آرامگاه اثرات نابودگرانه داشته و بمرور زمان فرو ریزد، ولی با خشک شدنش رژیم در رسیدن به هدف خود ناکام ماند. باری، امروز بزرگترین خطر، نه تنها برای آرامگاه کورش بزرگ، بلکه برای مجموعه های باستانی پاسارگاد و پارسه (تخت جمشید)، فرونشست زمین های پیرامونشان می باشد که بخاطر نابودی آب های زیرزمینی توسط رژیم، آن ها را در معرض فروریزی قرار داده است.

در نتیجه در پاسخ به این تازی زاده ایرانستیز بایستی گفت، آرامگاه کورش بزرگ برای مردم پاسارگاد افتخارست و گرفتاریشان همچون دیگر ایرانیان، وجود و حاکمیت رژیم ایرانی و فاشیست اسلامیست. نه مردم پاسارگاد بلکه هیچ ایرانی، میراث ملی خود را فدای دکل و طوبله نمی کند، بویژه آنکه گردشگری برای پاسارگادی ها بزرگترین راه درآمد است.

باری، کورش بزرگ، پدر ایرانزمین در سرزمینش آرامیده است و پاسارگادی ها همچون نیاکانشان از آن پاسداری می کنند، این "السیدها"ی تازی تبارن همچون ضرغامی هستند که بجای زندگی در شنزارهای نجد و حجاز، بر ایران با خشونت و وحشیگری همچون نیاکانشان که به ایران یورش آوردند فرمانروایی کرده و سودای نابودی میراث ایرانیان را در سرهای بیمار خود می پروراندند.

در هر روی، شمارش معکوس برای سرنگونی رژیم زده شده است و خمینی ها و خامنه ای ها و ضرغامی ها و دیگر تازی

زادگانی که ایران را در چنگال خود دارند، آرزوی نابودی آرمگاه کورش بزرگ را به گور خواهند برد. ولی حقیقت تلخ اینست که برای ترمیم آسیب هایی که این عده غیرایرانی، به ستون های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری کشور وارد ساخته اند، نیاز به یک سده بازسازی، بویژه فرهنگی دارد.

شاپور سورنپهلاو

روز انارام از ماه دی سال ۳۷۶۱ بهدینی

۲۴ دی ۲۵۸۲ شاهنشاهی

۱۴ ژانویه ۲۰۲۴ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نگاشته: <https://48TXFgS/ly.bit>

1 - "New Dam On Polvar River and Possible Threat to Pasargad", CAIS Online:
https://www.cais-soas.com/News/Sivand/sivand_news.htm

2 - "طرح تازه و شوم رژیم اسلامی برای نابودی سازه های باستانی در پاسارگاد بویژه آرمگاه کورش بزرگ" -
<https://bit.ly/3Hn8Kvc>



